

بررسی و تحلیل منابع تاریخی درباره رقیه بنت الحسین علیها السلام؛ از آغاز تا قرن هفتم ه. ق

حسین عبدالمحمدی ینچناری^۱، اسدالله رحیمی^۲

چکیده

اسارت اهل بیت امام حسین علیه السلام و واقعه جانسوز شهادت رقیه بنت الحسین علیها السلام در خرابه شام از مصائب بزرگ کربلاست. این واقعه به آن دلیل که در دوره‌های اخیر توسط برخی از نویسندگان، شکل ادبیات داستانی و افسانه به خود گرفته و مطالبی به آن افزوده شده است، مورد شک و تردید قرار دارد تا جایی که برخی از افراد، با استناد به همین داستان‌ها، اصل وجود دختری به نام رقیه را برای امام حسین علیه السلام انکار و یا مورد تشکیک قرار داده‌اند. پژوهش حاضر منابع کهن در این مورد را تا قرن هفتم هجری قمری مورد بررسی قرار داده و با کاربست روش تاریخی به جمع‌گزاره‌ها، شواهد و قرائن مرتبط با این موضوع پرداخته و براساس معیارها و ضوابط روش تحقیق در تاریخ، آنها را تحلیل نموده است. پژوهش حاضر، اسناد قابل توجهی را مبنی بر وجود رقیه بنت الحسین علیها السلام و شهادت ایشان در ایام اسارت خاندان امام حسین علیه السلام در شام، ارائه داده است.

واژگان کلیدی: رقیه بنت الحسین علیها السلام، خرابه شام، اسرای کربلا.

۱. دانشیار تاریخ اسلام، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

hoseinmohammadi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

از جمله مسائل واقعه عاشورا که در دهه های اخیر مورد توجه مورخان و محدثان قرار گرفته است، وجود تاریخی رقیه بنت الحسین علیها السلام است. پژوهشگرانی که معیارها و ضوابط تحقیق در تاریخ و حدیث را در پژوهش های خود رعایت کرده اند، نتوانستند با قاطعیت وجود ایشان را اثبات کنند، اما با توجه به شواهد و قراین موجود در منابع کهن، قادر به انکار وجود آن حضرت نیز نشدند. البته کسانی که به دلیل عدم آشنایی با معیارها و بایسته های روش تاریخی و حدیثی و با نگاه سطحی و مراجعه به منابع دوره های اخیر، این مسئله را بررسی کرده اند، نسبت به اصل وجود آن حضرت تشکیک کرده و وجود ایشان را انکار کرده اند. درباره پیشینه تحقیق در این زمینه می توان گفت که تنها اثر پژوهشی و تحلیلی که در این باره انجام شده است، کتاب رقیه بنت الحسین علیها السلام در انساب و تاریخ می باشد. البته در این کتاب نیز خلع هایی وجود دارد و حقایقی در آن مغفول مانده است؛ مهمترین کاستی این کتاب عدم ورود نویسنده به منابع اولیه و متقدم در تجمیع و بررسی شواهد و قراین مرتبط با این موضوع است و دیگری عدم جامع نگری و تحلیل کافی از منابع همچون لهوف می باشد. از این رو، انجام پژوهشی مستقل در این موضوع و بررسی منابع اولیه و کشف شواهد و قراین مرتبط و تحلیل آنها ضروری است. در پژوهش حاضر، منابع تاریخی و نسب شناسی از قرون نخستین تا قرن هفتم هجری قمری به صورت جامع مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که منابع تاریخی سهم بیشتری در این بررسی دارد.

۱-۱. اهمیت علم انساب در پژوهش دودمانی

اهمیت علم نسب شناسی یا انساب، به منظور اثبات گزاره های مربوط به نسل و دودمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر از علم تایخ است؛ زیرا علم نسب شناسی، عهده دار ثبت آمار سادات و پراگندگی جمعیت آنان در گستره تاریخ است. نسب شناسان از همان سده های اول اسلام در محافظت از تبار و نسل سادات برآمده از دودمان نبوی تلاش کرده اند. علم الانساب شاخه ای از علم تاریخ است که قلمرو آن بیشتر تبارشناسی دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. از این رو، کارایی آن برای اثبات گزاره های مربوط به اوضاع و احوال نسل و ذراری پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از تاریخ است. این علم، در سده های اخیر بسیار کم رنگ شده و امروزه در قالب



رشته های مردم شناسی یا قوم نگاری، تبلور یافته است. (ر.ک.، پاکدامن، ۱۳۹۴، ص ۲۲-۲۳)

۲-۱. سرگذشت منابع تاریخی و حدیثی

براهل تحقیق روشن است که بسیاری از منابع تاریخی و حدیثی بر اثر حوادث ناگواری که برای مسلمانان در گذر تاریخ رخ داده است، نابوده شده اند. مسلمانان در قرون اولیه گنجینه های عظیمی از آثار مکتوب در رشته های گوناگون را در اختیار داشتند؛ کتابخانه های بزرگی در جهان اسلام وجود داشت که برخی از آنها بالغ بر ششصد هزار جلد کتاب در خود جای داده بود. (ر.ک.، کلبک، ۱۳۷۱، ص ۱۲۴-۱۲۹) بسیاری از این میراث بی نظیر در حمله مغول و نیز در آتش تعصب برخی از مسلمانان جاهل نابود شده است. علامه شعرانی در این زمینه می نویسد:

ابن ندیم در کتاب فهرست خود که در سال ۳۷۷ ه.ق تألیف کرده است حدود چهار هزار کتاب تاریخ و انساب و سیر شمرده است که همه از مصنفین معتبر بوده و شاید ما سی کتاب از آن قبیل در دسترس خود نداشته باشیم. پس چگونه می توانیم عدم وجدان را دلیل عدم وجود بدانیم. (قمی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۷)

منابع حدیثی نیز، وضعیت مشابه داشته است؛ چنان که یکی از محققان در این خصوص می گوید:

مجموعه کتاب های حدیثی که تا پایان غیبت صغری یعنی، پیش از دوران غیبت کبری، نوشته شده اند، حدود سه هزار کتاب و رساله اند که فهرست و اسامی آنها در کتاب هایی مثل *رجال نجاشی*، *فهرست شیخ طوسی* و به مقدار کمتر در *فهرست ابن ندیم* به آنها اشاره شده است. از این مجموعه عظیم، فقط نه کتاب حدیثی در اختیار ماست؛ یعنی اکثریت قریب به اتفاق آن در گذر زمان نابود شده است. (مجمع عالی حکمت اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۴۹-۵۰)

بنابراین، آنچه از منابع تاریخی و حدیثی باقی مانده است به هیچ وجه نمی تواند تمامی واقعیت ها را منعکس نماید و چه بسا زوایایی از وقایع تاریخی در دل همان منابع مفقود، دفن شده و به دست آیندگان نرسیده است. بنابراین، می توان گفت که این سخن مرحوم شعرانی که گفته است «عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود» درست است؛ زیرا بسیاری از مطالب تاریخی و حدیثی در آتش تعصب و جهل سوخته و در منابع موجود منعکس نشده است.

۳-۱. دسترسی مؤلفان سده‌های اولیه به منابع مفقود شده

نکته دیگر اینکه مؤلفان سده‌های گذشته منابعی را در اختیار داشته‌اند که محققان سده‌های بعد از آنها محروم شده‌اند. بنابراین، نمی‌توان آن مؤلفان را متهم به دروغ‌بافی کرد؛ زیرا چنین داوری در صورتی ممکن است که همه منابع مفقود شده، در اختیار باشد و با تطبیق‌سازی به آنها جعلی بودن سخن مؤلفان سده‌های گذشته را آشکار کرد؛ درحالی‌که چنین چیزی ممکن نیست. البته در مورد آثار متأخری که گزارش‌هایی در آنهاست که در منابع متقدم موجود، یافت نمی‌شود و یقین است که در زمان نویسنده نیز فقط همین منابع متقدم فعلی، موجود بوده است، می‌توان حکم به جعلی بودن آن کرد.

۲. بررسی و تحلیل منابع تاریخی درباره رقیه بنت الحسین علیها السلام

منابع تاریخی و حدیثی در مورد فرزندان امام حسین علیها السلام به ویژه دختران آن حضرت، گزارش‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. برخی منابع از فرزندان امام حسین علیها السلام به طور مشخص اسم نبرده‌اند، اما با به‌کارگیری واژگان صبیان و بنات، به‌طور کلی به ایشان اشاره کرده‌اند. برخی دیگر از منابع فقط به فرزندان ذکور آن حضرت اشاره نموده است و از فرزندان اناث ایشان یاد نکرده‌اند. برخی دیگر نیز به فرزندان ذکور و اناث ایشان به‌طور ناقص اشاره نموده است و برخی دیگر به‌طور کامل به بیان اسامی و تعداد فرزندان امام حسین علیها السلام پرداخته‌اند.

۲-۱. به‌کارگیری واژه بنات در منابع تاریخی

در بسیاری از منابع متقدم با عبارات مختلفی واژه بنات به‌کار رفته است که نشان می‌دهد دختران امام حسین علیها السلام در سرزمین کربلا و در حین اسارت، بیش از دو نفر بوده‌اند، اما به تعداد آنان تصریح نشده است.

اول در مقاتل متقدم آمده است که هنگامی که در روز عاشورا امام حسین علیها السلام لشکر دشمن را نصیحت فرمود، صدای گریه خواهران و دخترانش بلند شد: «فلما سمع أخواته کلامه هذا صحن و بکین و بکی بناته [و] ارتفعت أصواتهن، فأرسل إليهن أخاه العباس بن علی و علیا ابنة و قال لهما: سکتاهن فلعمری لیکثرن بکاؤه» . (ابومخنف کوفی (م ۱۵۷هـ)، ۱۴۱۷هـ.ق، ص ۲۰۶؛ جریر الطبری



دوم) درباره حرکت دادن اسرا از کربلا به طرف کوفه چنین آمده است: «ثم امر حميد بن بكير الاحمرى فاذن فى الناس بالرحيل الى الكوفة. و حمل معه بنات الحسين و اخواته و من كان من الصبيان و على بن الحسين مريض». (ابو مخنف كوفى، ۱۴۱۷، ص ۲۵۹)

طبرى نیز در این باره می نویسد: «... ثم امر حميد بن بكير الاحمرى فاذن فى الناس بالرحيل الى الكوفة و حمل معه بنات الحسين و اخواته و من كان معه من الصبيان و على ابن الحسين مريض». (جرير طبرى، ۱۳۸۷، ۴۵۵/۵)

دینوری (م ۲۸۲ هـ ق) نیز این گونه آورده است: «و امر عمر بن سعد بحمل نساء الحسين و اخواته و بناته و جواريه و حشمه فى المحامل المستوره على الإبل...». (الدینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۵۹)

ابن اعثم کوفی (م ۳۱۴ هـ ق) و ابن اثیر (م ۶۳۰ هـ ق) نیز چنین نقل کرده اند: «أقام عمر بن سعد بعد قتله الحسين يومين ثم ارتحل إلى الكوفة و حمل معه بنات الحسين و اخواته و من كان معه من الصبيان و على بن الحسين مريض». (ابن اعثم الكوفى، ۱۴۱۱، ۱۲۰/۵: ابن الأثير، ۱۳۸۵، ۸۱/۴)

شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ ق) این گونه بیان کرده است: «ثم نادى {عمر بن سعد} فى الناس بالرحيل و توجه إلى الكوفة و معه بنات الحسين و اخواته و من كان معه من النساء و الصبيان و على بن الحسين فيهم و هو مريض بالذرب و قد أشفى». (مفید، ۱۴۱۳، ۱۱۴/۲)

سوم) همچنين شيخ مفيد از صحنه دلخراش هجوم به خيمه ها چنين ياد مى كند: «قال حميد بن مسلم فو الله لقد كنت أرى المرأة من نسائه و بناته و أهله تنازع ثوبها عن ظهرها حتى تغلب عليه فيذهب به». (مفید، ۱۴۱۳، ۱۱۲/۲)

چهارم) درباره لحظه ورود اهل بيت عليهم السلام در مجلس ابن زياد، شيخ مفيد مى نويسد: «و لما وصل رأس الحسين عليه السلام و وصل ابن سعد لعنه الله من غد يوم وصوله و معه بنات الحسين عليه السلام و أهله جلس ابن زياد للناس فى قصر الإمارة و أذن للناس إذنا عامًا». (مفید، ۱۴۱۳، ۱۱۴/۲)

پنجم) ابن كثير دمشقى در مورد حرکت امام حسين عليه السلام از مدينه به مكه مى نويسد: «و بعث الحسين إلى المدينة يقدم عليه من خف من بنى عبد المطلب، و هم تسعة عشر رجلا و نساء و صبيان من إخوته و بناته و نسائه و تبعهم محمد بن الحنفية، فأدرك حسيناً بمكة...». (ابن كثير

ششم) طبری درباره قیام مختار و تحریک مردم برای قیام و پیوستن به مختار توسط ابراهیم بن مالک اشتر می نویسد:

و دعا ابن الاشتر بفرس له فرکبه، ثم مرباصحاب الریات کلها، فکلما مر علی رایه وقف علیها. ثم قال: یا انصار الدین و شیعه الحق و شرطه الله، هذا عبید الله بن مرجانة قاتل الحسين بن علی، ابن فاطمه بنت رسول الله، حال بینه و بین بناته و نسائه و شیعتہ و بین ماء الفرات ان یشربوا منه. (جریر طبری، ۱۳۸۷، ۸۸/۶)

۱-۱-۲. بررسی و تحلیل واژه بنات در منابع تاریخی

اول) از آنجاکه واژگان بنات، اخوات، صبیان و نساء در عبارات بالا از هم تفکیک شده اند، نمی توان گفت که مراد از آنها تمامی اهل بیت امام حسین علیه السلام اعم از بنی هاشم و غیر بنی هاشم است مگر در جایی که لفظ نساء به تنهایی به کار رفته باشد که در آن صورت تمامی زنانی را که در کربلا حضور داشتند و به اسارت رفتند، شامل می شود.

دوم) واژه بنات را در عبارات مذکور، نمی توان بر معنای مجازی آن (استعمال کلمه جمع در معنای مفرد و تثنیه) در نظر گرفت و مقصود از آن را یک و یا دو دختر برای امام حسین علیه السلام دانست؛ زیرا استعمال جمع در معنای مفرد و تثنیه، نیاز به قرینه دارد و در موارد یاد شده، نه تنها قرینه ای بر چنین استعمالی وجود ندارد، بلکه قرینه عکس دیده می شود؛ یعنی در برخی منابع عدد سه و چهار برای دختران امام حسین علیه السلام در کربلا و هنگام اسارت به کار رفته است.

همچنین نمی توان گفت که مراد از آن جنس فرزندان امام حسین علیه السلام است؛ زیرا چنین معنایی در صورتی امکان پذیر است که واژه جمع در مقام بیان یک قانون کلی به کار رفته باشد که ممکن است در مرحله عمل و اجرا، فقط یک یا دو مصداق برای آن یافت شود؛ مانند الفاظ ابناء، نساء و انفسنا در سوره مبارکه مباحله. یا الفاظی به صورت جمع استعمال شود، اما با توجه به قرینه موجود، بیش از یک مصداق برای آنها یافت نگردد. (رک، مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۵۸۶/۲-۵۸۸) در حالی که در اینجا قرینه بر خلاف آن وجود دارد؛ یعنی قراینی موجود است که مصادیق آن را به سه فرد و بیش از آن تعیین نموده است. این حکم در مورد واژگان اخوات و نساء نیز جاری و ساری است.



چهارم) نمی توان گفت که لفظ بنات شامل تمامی دختران اسیر (اعم از بنی هاشم و غیره) است؛ زیرا تعبیر «بنات الحسین و أخواته و من كان معه من الصبيان» که در بسیاری از عبارات بالا آمده است به طور روشن دختران امام حسین علیه السلام را از دیگر کودکان تفکیک کرده است؛ یعنی دختران امام علیه السلام و کودکان دیگری که همراه آن حضرت آمده بودند، به اسیری برده شدند.

پنجم) در عبارات یادشده واژه اخواته به این دلیل که جمع است باید برای امام حسین علیه السلام بیش از دو خواهر در کربلا و در حین اسارت، وجود داشته باشد. گزارش های تاریخی حکایت از آن دارند که حداقل سه تن از خواهران امام حسین علیه السلام به نام های زینب کبری علیها السلام، ام کلثوم (دختر امام علی علیه السلام) که زینب صغری نیز نامیده می شد - البته مادر ایشان فاطمه زهرا علیها السلام نیست؛ زیرا مشهور است که ام کلثوم دختر حضرت زهرا علیها السلام در زمان امام حسن علیه السلام رحلت نموده بود- و فاطمه دختر امام علی علیه السلام در کربلا حضور داشته اند. (رک، ری شهری، طباطبایی نژاد و سید طباطبایی، ۱۳۹۲، ۲/۴۹۴-۴۹۵)

ششم) واژه نساء که در برخی از عبارات پیشین آمده است به قرینه آنکه خواهران و دختران امام حسین علیه السلام از آن تفکیک شده است، شامل تمامی زنان دیگر (اعم از بنی هاشم و غیر بنی هاشم) می شود و حتی درجایی که به خواهران امام حسین علیه السلام تصریح نشده باشد، شامل خواهران امام حسین علیه السلام نیز می شود. مانند این عبارت: «قال علماء السیر: ثم دعا یزید بعلی بن الحسین و صبیان الحسین و نسائه، فأدخلوا علیه فقال لعلی...» (ابن الجوزی، ۵۹۷ هـ.ق، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۵/۳۴۲). همچنین درجایی که کلمه نساء به تنهایی به کار رفته باشد، شامل تمامی اسرای زن می شود: «ثم ادخل نساء الحسین علی یزید، فصاح نساء آل یزید و بنات معاویه و اهله و ولولن» (جریر طبری، ۱۳۸۷، ۵/۴۶۴؛ البلاذری، ۱۳۹۷، ۳/۲۱۷).

هفتم) حتی اگر مراد از نساء، فقط زن های امام حسین علیه السلام باشد، منابع تاریخی نام چندین زن را برای امام حسین علیه السلام ثبت کرده است که عبارتند از: شهربانو، مادر امام سجاد علیه السلام؛ لیلی بنت ابی مره، مادر علی اکبر علیه السلام؛ رباب بنت امرؤ القیس، مادر علی اصغر و سکینه علیها السلام؛ ام اسحاق بنت طلحه بن عبیدالله تمیمی؛ ام جعفر قضاعی؛ عاتکه بنت زید بن عمرو بن نفیل و غیره.



به یقین، رباب در کربلا حضور داشته است. همچنین شواهدی وجود دارد که ام اسحاق نیز در کربلا حضور داشته است؛ زیرا در منابع متقدم چنین آمده است که ام اسحاق بعد از شهادت امام حسین علیه السلام با عبدالله بن محمد بن ابی عتیق ازدواج کرد. (البغدادی (م ۲۴۵ هـ.ق)، بی تا، ص ۴۴۲؛ ابن قتیبه (م ۲۷۶ هـ.ق) ۱۹۹۲ م، ص ۲۳۳) از سوی دیگر، گزارش های تاریخی تصریح دارند که امام حسین علیه السلام تمامی اهل بیت و خانواده خویش را در حادثه عاشورا به همراه داشته است. این مسئله می تواند شاهی برای این باشد که دیگر همسران امام حسین علیه السلام که در کربلا نبودند، در قید حیات نبوده اند. چنانکه در مورد شهربانو مادر امام سجاد علیه السلام گزارش هایی مبنی بر وفاتش قبل از واقعه عاشورا در دست است (ر.ک. ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۲/۱۲۸؛ مسعودی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ص ۱۷۰) و در مورد زنده بودن لیلی مادر علی اکبر علیه السلام در واقعه عاشورا تردید جدی وجود دارد (ر.ک. شوشتری، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴۲۲/۷). این نکته نیز قابل توجه است که واژه نساء به طور عام بر کنیز و کنیزان نیز اطلاق می شود. چنانکه در یکی از عبارات های فوق بیان شد دینوری تصریح می کند کنیزان امام حسین علیه السلام نیز در میان اسرا، حضور داشتند (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۵۹). همچنین ابن سعد در طبقات آورده است: «و موالی لهمو ممالیک عبید و اماء. فقدم بهم علی عبید الله بن زیاد. مع رأس الحسین بن علی و رؤوس من قتل معه رضی الله عنه و عنهم» (ابن سعد الهاشمی البصری (م ۲۳۰ هـ.ق)، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴۷۹/۵). بنابراین، حتی با این فرض که کلمه نساء فقط شامل همسران امام حسین علیه السلام باشد نیز مصادیق آن - با توجه به کنیزان امام حسین علیه السلام - روشن است؛ یعنی تعداد آنان بیش از سه نفر بوده است.

۲-۲. تصریح به نام های فاطمه و سکینه در منابع تاریخی

برخی از منابع تاریخی دو دختر به نام های فاطمه و سکینه برای امام حسین علیه السلام را بر شمرده اند. بلاذری چهار فرزند برای امام حسین علیه السلام به نام های علی اکبر، علی اصغر (امام سجاد علیه السلام)، فاطمه و سکینه را بر شمرده است (البلاذری، ۱۳۹۷، ۳/۱۴۶). ابن سعد، عبدالله مقتول (طفل شیرخوار) را نیز ذکر کرده است (ابن سعد الهاشمی البصری، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴۷۹/۵). شیخ مفید نیز چهار فرزند پسر و دو فرزند دختر برای امام حسین علیه السلام بیان کرده است (مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۱۱۳۵).

۲-۱. بررسی و تحلیل نام‌های فاطمه و سکینه در منابع تاریخی

نقل این دسته از منابع که فقط دو تن از دختران امام حسین علیه السلام را نام برده‌اند با نقل منابع دسته اول همخوانی ندارد؛ زیرا در آن دسته از منابع، واژه جمع (بنات) به کار رفته است که شامل بیش از دو تن می‌شود. نمی‌توان گفت که تصریح این دسته از منابع بر دو تن از دختران امام حسین علیه السلام قرینه بر به کارگیری واژه بنات در معنای مجازی است؛ زیرا چنین فرضی در صورتی درست است که این دسته از منابع مقدم بر منابع دسته اول باشد و معارض نداشته باشد. درحالی‌که مقتل ابی مخنف از نظر زمانی مقدم است و در منابعی که در دسته سوم متذکر می‌شود از سه دختر امام حسین علیه السلام نام برده است که با منابعی که فقط نام دو دختر را ذکر کردند، تعارض دارد.

۲-۳. تصریح به نام سه دختر امام حسین علیه السلام در منابع تاریخی

برخی از منابع علاوه بر فاطمه و سکینه دختر سومی به نام زینب نیز برای امام حسین علیه السلام ذکر کرده‌اند. (رک.، ابن ابی الفتح (م ۳۲۵ هـ.ق)، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۱۰۲؛ اسکافی (م ۳۳۶ هـ.ق)، ۱۴۲۲ هـ.ق، ص ۶۵) براساس برخی گزارش‌های تاریخی، زینب در میان اسرا نیز بوده است: «زینب بنت الحسین بن علی بن ابی طالب ابن عبد المطلب بن هاشم قدمت دمشق مع عمال ابيها بعد قتله علی ما قرأت فی کتاب ابي مخنف لوط بن یحیی عن سلیمان بن ابي راشد عن حمید بن مسلم الأزدی» (ابن منظور (م ۷۱۱ هـ.ق)، ۱۴۰۲ هـ.ق، ۱۷۴/۹؛ ابن عساکر (م ۵۷۱ هـ.ق)، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۶۸/۲۸). همچنین براساس برخی منابع زینب، دختر امام حسین علیه السلام بعد از واقعه کربلا مدت مدیدی زنده بوده است که زید بن علی (زید پسر امام سجاد علیه السلام) از او نقل حدیث کرده است:

عن زید بن علی رحمة الله عليه عن عمته زینب بنت الحسین علیها السلام قالت لما بلغ فاطمة علیها السلام اجماع ابي بكر علی منعها فدنک لائت خمارها وخرجت فی حشدة نساءها و لمة من قومها تجر اذراعها ما تخرم من مشية رسول الله صلی الله علیه و آله شيئاً حتى وقفت علی ابي بكر وهو فی حشد من المهاجرین والأنصار... (ابن طیفور (م ۲۸۰ هـ.ق)، ۱۳۲۶ هـ.ق، ص ۱۹)

۲-۳-۱. بررسی و تحلیل سه دختر امام حسین علیه السلام در منابع تاریخی

گزارش این دسته از منابع می‌تواند با نقل دسته اول منابع منطبق باشد؛ زیرا واژه جمع (بنات) بر سه نفر نیز قابل اطلاق است، اما شاهد و قرینه‌ای وجود ندارد که کلمه جمع

بنات) را منحصر به همین سه تن از دختران امام حسین علیه السلام نماید بلکه شاهد و قرینه بر توسعه معنای آن وجود دارد و آن اینکه در برخی منابع عدد چهار نیز برای دختران امام حسین علیه السلام اطلاق شده است.

۲-۴. تصریح به تعداد چهار دختر امام حسین علیه السلام در منابع تاریخی

این منابع از چهار فرزند دختر برای امام حسین علیه السلام یاد کرده‌اند، اما نام دختر چهارم در آنها ذکر نشده است: «کان له من الأولاد ذکورا و إناثا عشرة، ستة ذکورا و أربع إناث.... و أما البنات: فزینب و سکینة و فاطمة هذا هو المشهور. و قیل بل کان له أربعة بنین و بنتان و الأول اشهر» (شافعی (م ۶۵۲ هـ.ق)، ۱۴۱۹ هـ.ق، ص ۲۵۷؛ محدث اربلی (م ۶۹۲ هـ.ق)، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۵۸۲/۱؛ مالکی، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۸۵۱/۲).

۲-۴-۱. بررسی و تحلیل تعداد چهار دختر امام حسین علیه السلام در منابع تاریخی

به احتمال زیاد منابعی در اختیار این دسته از مؤلفان قرار داشته است که تعداد چهار دختر برای امام حسین علیه السلام در آنها ثبت شده است تاجایی که این دیدگاه در آن دوره، دیدگاه غالب و مشهور بوده و دیدگاهی که قائل به وجود دو دختر برای امام حسین علیه السلام است، دیدگاهی ضعیف به شمار می‌آید که از آن تعبیر به قیل نموده‌اند، اما دلیل اینکه چرا این مؤلفان اسم دختر چهارم را ذکر نکرده‌اند، روشن نیست.

۲-۵. تصریح به نام حضرت رقیه علیه السلام در منابع تاریخی

این دسته از منابع تصریح دارند که اسم یکی از دختران امام حسین علیه السلام رقیه بوده است که ممکن است نام همان دختر چهارم باشد که در منابع قبلی نام آن ذکر نشده بود.

۲-۵-۱. تصریح به نام حضرت رقیه علیه السلام در لباب الانساب

اولین کسی که به نام رقیه تصریح کرده است، نسب شناس معروف، ابن فندق بیهقی (۴۹۰ هـ.ق - ۵۶۵) است. وی در مورد بازماندگان نسل امام حسین علیه السلام در کتاب لباب الانساب چنین می‌نویسد: «و اما الحسینیة، فهم من أولاد الحسین بن علی علیه السلام ولم یبق من أولاده إلا زین العابدین علیه السلام و فاطمة و سکینة و رقیة، فأولاد الحسین علیه السلام من قبل الأب هم من صلب زین العابدین علیه السلام» (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۵۵/۱).

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بن محمد بیهقی، معروف به ابن فندق



بیهقی در سال ۴۹۰ هـ.ق در سبزواری به دنیا آمد. از ویژگی‌های کم‌نظیر و علمی شخصیت ابن فندق، تسلط ایشان بر تاریخ‌نگاری و داده‌های کهن علم‌انساب است. وی علاوه بر آنکه کتاب تاریخ بیهقی را به زبان فارسی نگاشت، به زبان عربی نیز کتاب *لباب الانساب* را مبتنی بر جریده‌های محلی و منابع نسب‌شناسی پیش از سده ششم تألیف کرد. (ر.ک.. پاکدامن، ۱۳۹۴، ص ۲۱-۲۵) از ویژگی‌های مهم *لباب الانساب* نگاه جامع و توجه خاص آن نسبت به ثبت اسامی تمامی منتسبین به پیامبر ﷺ و دودمان آن حضرت (اعم از نسل داران و بدون نسل، اعم از کوچک و بزرگ و اعم از زن و مرد و دختر و پسر) است. در حالی که اغلب نسب‌شناسان از بردن نام غیر معقبین و افراد بی‌نسل و اطفال به‌ویژه دختران کودکی که از آنها نسلی باقی نمانده است و از دنیا رفته‌اند، خودداری می‌کردند؛ زیرا فرهنگ نوشتاری و رسم غالب آنان در ثبت گزاره‌های خود این بوده است که نام مردان ذکور را می‌آوردند و از بردن نام دختران به‌ویژه دختران کوچک در تألیفات و نوشتار خویش پرهیز داشته‌اند. ابن فندق از این رسم عدول نمود و آن را ناکارآمد می‌داند. ایشان دلیل عدول از این رسم معمول نسابه‌ها را این‌گونه بیان می‌کند:

چون مقصود از نگاشتن این کتاب ذکر و بیان انساب بود، ذکر اسامی نسل داران و معقبین در اولویت قرار گرفته است و چنانچه ما اسامی غیر معقبین را نیز آورده‌ایم، تنها به این علت بوده است که کسانی به دروغ خود را به پیامبر ﷺ منتسب سازند.

(ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۳۸/۱)

گفتنی است که ابن فندق با رسم جدولی همسران و فرزندان امام حسین علیه السلام را نام برده است که در آن نام چهارتن از دختران آن حضرت (به نام‌های فاطمه، سکینه، زینب و ام‌کلثوم) درج شده است. (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۵۰/۱) سپس در چهار صفحه بعد ذیل عنوان *الطبقة السابعة*، بازماندگان از نسل امام حسین علیه السلام را چنین نام می‌برد: «و از فرزندان او جز زین العابدین، فاطمه، سکینه و رقیه باقی نماند» (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۵۵/۱).

بین این دو عبارت تعارض ابتدایی وجود دارد که قابل جمع است؛ زیرا بین تعبیری مثل *اعقب*، *لم یعقب*، *بقی* و *لم یبق* تفاوت وجود دارد. اگر منظور، بیان ادامه نسل و احفاد باشد از اصطلاح *اعقب* و مشتقات آن استفاده می‌شود. همان‌گونه که خود ابن فندق در دو صفحه پیش از این در بیان *طبقة پنجم* آورده است: «العلویه منسوبه الی علی بن ابی طالب،

وله اولاد کثیره إلا أنّ العقب منهم من خمس بنین من ابنتین: زینب و ام کلثوم» (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱/۳۵۳). ولی چنانچه هدف، بیان کلی بازماندگان اعم از نسل دار و غیر نسل دار باشد، تعابیری همچون بقی و لم یبق به کار برده می شود.

براین اساس، آن عده از نسب شناسان و تاریخ نگاران که اعقاب و ادامه دهندگان نسل امام حسین علیه السلام را در یک پسر و دو دختر دانسته اند، به این دلیل بوده است که پس از عاشورا و به اسارت رفتن کاروان امام حسین علیه السلام به کوفه و شام و همچنین از دنیا رفتن دختر کوچک امام حسین علیه السلام در شام، فقط همان سه فرزند ادامه دهنده نسل امام علیه السلام را نام برده اند و نام رقیه را ذکر نکرده اند. نکته سنجی و دقت نظر ابن فندق بیهقی باعث شد که وی با تعبیر لم یبق، گویا پس از استدراک مطلبی مهم، این بار در گزارش دومش با تکمیل تعداد فرزندان امام حسین علیه السلام، بازماندگان از فرزندان امام حسین علیه السلام را در یک پسر و سه دختر معرفی نماید (رک.، پاکدامن، ۱۳۹۴، ص ۳۴-۳۶).

ذکر این نکته نیز مهم است که ابن فندق نگارش کتاب خود را بر پایه منابع معتبر نسب شناسی و استفاده از عالمان طراز اول علم انساب پی می ریزد و پس از ذکر سی و شش تن از نسابه های معروف در زمان معاصر و پیشین در اوایل کتاب خود چنین می گوید: «فهلّاء العلماء الثقات المشهورون بهذالفن» (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱/۱۸۵). این عبارت نمایانگر آن است که وی هر آنچه را که در کتابش از اسامی و نسب سادات به قلم آورده است، مورد وثوق و اطمینان همگان است. بنابراین، ثبت گزارشی که به نام رقیه تصریح شده است، مبتنی بر شهرتی خاص است که ابن فندق آن را از متون و مشجرات صحیح و مورد وثوق پیش از زمانه خویش برداشت کرده است که به یقین، اکنون از آن متون قدیمی، جریده ها و مشجرات اطلاعی در دست نیست (رک.، پاکدامن، ۱۳۹۴، ص ۵۲). راز اینکه ابن فندق به این نام تصریح کرده است، شاید در این نکته نهفته باشد که وی (به گفته خودش) از روش پیشینیان خود عدول نموده و به ثبت اسامی تمامی دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله (اعم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، دختر و پسر و نسل دار و بدون نسل) اهتمام ورزیده است.

۲-۵-۲. تصریح به نام حضرت رقیه علیها السلام در گزارش لهوف از شهادت ایشان

علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م ۶۴۴ هـ.ق) معروف به سید بن طاووس که نزد همگان به



علم، تقوا، معنویت و ثقه بودن معروف است، مقتل معروفی دارد به نام الملهوف یا لهوف که هم مورد اعتماد است و هم بسیار تأثیرگذار بوده است. این مقتل جایگاه مهمی در میان مقاتل معتبر دارد و به تازگی تحقیق عالمانه‌ای درباره نسخه‌های لهوف و تصحیح آن انجام شده است (ر.ک.، صادقی کاشانی، ۱۳۹۵) که نتایج خوبی از آن به دست آمده است.

در کتاب لهوف چنین آمده است:

امام حسین علیه السلام وقتی روز دوم محرم وارد سرزمین کربلا شد، آن شعر معروف «یا دهر اف لک من خلیل...» را زمزمه کرد. وقتی اهل بیت آن حضرت این شعر را شنیدند، صدای ناله هایشان بلند شد. در این حال امام حسین علیه السلام به اهل بیتش خطاب کرد: «ثم قال یا اختاه یا أم کلثوم وأنت یا زینب وأنت یا رقیه وأنت یا فاطمة وأنت یا رباب انظرن إذا أنا قتلت فلا تشقن علی جیباً ولا تخمشن علی وجهاً ولا تغلن هجرأ». (ابن طاووس، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲)

جمله «انت یا رقیه» در ده نسخه از نسخه‌های کهن لهوف آمده است، گرچه در بعضی از نسخه‌ها بیان نشده است. (ر.ک.، صادقی کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷-۱۵۸) کهن‌ترین نسخه موجود از لهوف نیز جمله «و انت یا رقیه» را دارد، اما نسخه دومی که حدود سی سال پس از آن استنساخ شده است، این جمله را ندارد. به نظر می‌رسد نسخه نویسان بعدی همین دو نسخه را معیار قرار داده و رونوشت نموده‌اند. از این رو، جمله «و انت یا رقیه» در برخی از نسخه‌ها آمده و در برخی دیگر نیامده است. با توجه به این احتمال که سید بن طاووس سال‌ها پس از تدوین لهوف ویرایش و تحریر دیگری از کتاب داشته است و این مطالب را افزوده باشد؛ آنگاه برخی از روی نسخه اولی و برخی از روی نسخه ویرایش شده، کتابت کرده باشند، ظن غالب بر آن است که جمله «و انت یا رقیه» دست نوشته خود سید بن طاووس باشد که قدیمی‌ترین نسخه موجود نیز از آن حکایت دارد. همچنین این احتمال که نبود این جمله در بعضی از نسخه‌ها مبتنی بر نسخه اولی (و نه ویرایش شده توسط سید) باشد، احتمال اضافه شدن این جمله را با دست خط خود سید، تقویت می‌کند.

ممکن است که گفته شود که منظور امام حسین علیه السلام از نام رقیه معلوم نیست که آیا رقیه دختر آن حضرت است و یا یکی از خواهرانش به نام رقیه بنت علی علیه السلام. در پاسخ می‌توان گفت که در کتب انساب و تاریخ، سه دختر به نام‌های رقیه برای امام علی علیه السلام ذکر

شده است که عبارتند از:

اول) رقیه صغیره: وی در کودکی وفات کرده است که احتمالاً مادرش محیاه بنت امرئ القیس بوده است. (رک. ابن سعد هاشمی البصری، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۴/۳؛ ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ هـ.ق)، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۳/۳۰۵) دوم) رقیه صغری که به گزارش ابن شهر آشوب، نام مادرش ام سعید بنت عروه بن مسعود است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۳/۳۰۴) و به گزارش ابن عنبه، رقیه همان ام کلثوم بنت علی علیه السلام مادر حمیده بنت مسلم بن عقیل است (حسنی (م ۸۲۸ هـ.ق)، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۳۲).

سوم) رقیه کبری که خواهر همزاد عمر بن علی علیه السلام است. نام مادرش ام حبیب صهباء تغلبیه بنت ربیعیه بود. مسلم بن عقیل با وی ازدواج کرد و از او صاحب سه پسر به نام های عبدالله، علی و محمد گردید. برخی فقط عبدالله را اسم برده اند. (عاملی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۳۲۶؛ مصعب، ۱۹۵۳ م، ص ۴۵؛ البلاذری، ۱۳۹۷، ۷۰/۲؛ ابن خیاط بشتاب (م ۲۴۰ هـ.ق)، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۱۴۵؛ ابوالفرج الإصفهانی (م ۳۵۶ هـ.ق)، بی تا، ص ۹۸) ابن فندق، این پسران مسلم را در شمار شهدای کربلا آورده است (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱/۳۳۵).

محمد بن حبیب بغدادی (م ۲۴۵ هـ.ق) که از مورخان و نسب شناسان نامور بوده است، در شمارش دامادهای امام علی علیه السلام چنین می آورد: «... و (مسلم) بن عقیل بن ابی طالب، کانت عنده رقیة بنت علی». ایشان همچنین بیان کرده است: «... و صاهره (مسلم) بن عقیل مرة اخرى، تزوج رقیة الصغری بنت علی». (الهاشمی البغدادی، بی تا، ص ۵۶) این گزارش دقیق، بیانگر آن است که مسلم بن عقیل پس از درگذشت رقیه کبری با رقیه صغری ازدواج کرده است و درگذشت رقیه کبری پیش از واقعه کربلا بوده است. از سویی دیگر، چنانکه بیان شد ابن عنبه تصریح داشت که ام کلثوم بنت علی (رقیه صغری)، مادر حمیده بنت مسلم بن عقیل بوده است. بنابراین، ابن عنبه فقط کنیه او را ذکر کرده است (پاکدامن، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹). به احتمال زیاد، همین ام کلثوم (رقیه صغری) در کربلا حضور داشته است، نه ام کلثوم دختر حضرت زهرا علیها السلام؛ زیرا به گواهی تاریخ، ام کلثوم دختر حضرت زهرا علیها السلام در زمان امام حسن علیه السلام در مدینه درگذشت و در بقیع دفن شد. امین در این مورد می نویسد:

ولا شك انه كان لأمير المؤمنين عليه السلام بنتان كلتاها تكني أم كلثوم إحداهما زوجة عمر توفيت بالمدينة والأخرى التي كانت بالطف ذكرها المؤرخين والأولى توفيت قبل وقعة



الطف و حينئذ فلا يبعد ان تكون أم كلثوم التي كانت بالطف و التي خطبت بالكوفة هي زينب الصغرى التي ذكرها المفيد و هو الموافق للاعتبار. (عاملی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۳۲۷)

ایشان سپس به موضوع قبری که در دمشق به نام ام کلثوم، بنت علی، شهرت دارد، اشاره می‌کند و سخن ابن عساکر را که اشعار به یک ام کلثوم از دختران علی علیه السلام دارد، این‌گونه نقد می‌کند: «و ظاهره انحصار أم كلثوم بنت علی علیه السلام فی واحدة و هو مخالف لما علیه المؤرخون و النسابون و مخالف لما تحقق من أم كلثوم التي كانت بالطف لیست زوجة عمر لأنها توفیت قبل ذلك كما عرفت». (عاملی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۳۲۷) نتیجه آنکه از میان سه دختر علی علیه السلام به نام‌های رقیه یکی از آنها در کودکی درگذشت و رقیه کبری که همسر اول مسلم بن عقیل بوده است نیز قبل از واقعه کربلا رحلت نموده است. براین اساس، تنها گزینه‌ای که می‌ماند این است که رقیه صغری که به او زینب صغری نیز گفته می‌شد و به کنیه خود ام کلثوم مشهور بوده است، در کربلا حضور داشته و خطبه‌هایی که پس از اسارت به نام ام کلثوم ثبت شده است، همین ام کلثوم صغری است نه ام کلثوم کبری دختر حضرت زهرا علیها السلام. براین اساس، در کلام سید بن طاووس، لفظ رقیه منحصر می‌گردد به دختر امام حسین علیه السلام؛ زیرا رقیه صغری، خواهر امام حسین علیه السلام، که به کنیه خود یعنی، ام کلثوم شهرت داشته است، با عنوان ام کلثوم مورد خطاب امام حسین علیه السلام قرار گرفته است.

۲-۵-۳. تصریح به نام حضرت رقیه علیها السلام در گزارش عمادالدین طبری از کیفیت شهادت ایشان

حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری معروف به عمادالدین طبری یا طبری (۷۰۱ هـ.ق) از علمای معاصر علامه حلی و خواجه نصیر طوسی است که از بزرگان متکلمین و فقها به شمار می‌رود و علمای متأخر در کتب فقهی فتاوای او را نقل کرده‌اند. او یکی از متفکران شیعی بوده که آثار فراوانی را در دفاع از تشیع پدید آورده است که مشهورترین اثر وی کامل بهایی است که نگارش آن به مدت دوازده سال به طول انجامیده است. مسلم است که نگارش این کتاب قبل از سال ۷۰۰ هـ.ق بوده است. (رک...، پاکدامن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵ و ۱۱۶) این کتاب برخی مطالب تاریخی را نیز پوشش داده است از جمله به نقل از کتاب حاویه، تألیف قاسم بن محمد بن احمد مأمونی سنی (۶۷۵ هـ.ق) گزارشی را نقل می‌کند که مربوط به واقعه خرابه شام است:

در حاویه آمده که زنان خاندان نبوت در حالت اسیری، حال مردان را که در کربلا شهید شده بودند بر پسران و دختران ایشان پوشیده می داشتند و هر کودکی را وعده ها می دادند که پدر تو به فلان سفر رفته است، باز می آید تا ایشان را به خانه یزید آوردند. دخترکی بود چهار ساله، شبی از خواب بیدار شد و گفت پدر من، حسین، کجاست؟ این ساعت او را به خواب دیدم. سخت پریشان زنان و کودکان جمله در گریه افتادند و فغان از ایشان برخاست. یزید خفته بود. از خواب بیدار شد و حال تفحص کرد. خبر بردند که حال چنین است. آن لعین در حال گفت که بروند و سر پدر او را بیاورند و در کنار او نهند. ملاعین سر بیاوردند و کنار آن دختر چهارساله نهادند. پرسید: این چیست؟ ملاعین گفت: سر پدر توست. آن دختر بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چند روز جان به حق تسلیم کرد. (طبری، بی تا، ۱۷۹/۲)

در تحلیل و بررسی این گزارش، چند نکته قابل تأمل است:

اول) نقل این واقعه از کتاب یک عالم سنی، احتمال جعلی بودن آن را - اگر منتفی نکند - به حداقل می رساند؛ زیرا انگیزه جعل از سوی یک عالم سنی وجود ندارد. نویسنده یک کتاب زمانی به جعل و دروغ بافی رومی آورد که برای مکتب، مذهب و مرامش و یا لاقابل برای خودش، سودی در پی داشته باشد.

دوم) بر پایه نکته سوم که در ابتدای مقاله آمد، احتمال بسیار قوی وجود دارد که قاسم بن محمد مأمونی، منابعی را در اختیار داشته است که امروزه مفقود است و ممکن است که حکایت واقعه شام را از آن منابع اتخاذ کرده باشد. از این رو، نمی توان وی را به کذب و دروغ گویی متهم نمود.

سوم) در نقل این واقعه اسم آن دختر چهارساله ذکر نشده است، اما بررسی های گذشته نشان داد که در منابع تاریخی، حداکثر چهار دختر برای امام حسین علیه السلام ذکر شده است که سه تن از آنان عبارتند از: سکینه، فاطمه و زینب. بر این اساس، اسم چهارمی همان رقیه است که در برخی منابع تصریح شده است. البته در بعضی منابع دختر پنجمی هم برای امام حسین علیه السلام ذکر شده است که به وی ام کلثوم می گفتند و در کودکی و قبل از واقعه کربلا وفات نموده است.

چهارم) گزارش های منابع دست اول درباره خصوصیات خرابه شام و وقایعی که اتفاق افتاده است، با این نقل تاریخی هم پوشانی کامل دارند که خود مؤیدی بر وقوع این واقعه



دردناک است. برپایه برخی گزارش‌ها، یزید دو قصر داشته است؛ یکی قصر سلطنت و حکومتش که به دار الخضراء شهرت داشت و دیگری قصر سکونت و محل زندگی. این دو قصر متصل به مسجد جامع اموی در سمت جنوب و شرق مسجد واقع بوده است. (کرباسی، ۲۰۰۲، ۶۶-۶۹؛ پاکدامن، ۱۳۹۴، ص ۲۰۶) شواهد نشان می‌دهد که اهل بیت علیهم‌السلام پس از ورود به شام و حضور در کاخ سلطنتی یزید (الخضراء) در میان جمعیت انبوه و هتاک‌ی یزید نسبت به سر مقدس امام حسین علیه‌السلام، سه روز اول را در محبس و خانه‌ای متصل به کاخ یزید (کاخ محل سکونتش) زندانی بوده‌اند. به‌گونه‌ای که هرگاه یزید اراده بر احضار آنان داشت، اهل بیت از آن خانه و محبس وارد قصر یزید می‌شدند. این همان چیزی است که خوارزمی از آن به دارالخاص تعبیر کرده است (رک،، خوارزمی، ۱۴۲۳هـ.ق، ۲/۷۳). اهل بیت علیهم‌السلام در این محبس - پس از آن اهانتی که یزید در کاخ الخضراء خود نسبت به امام حسین علیه‌السلام نمود - احساساتشان جریحه دار شده بود و سه روز تمام را به اقامه عزایپراختند. این صحنه به قدری دلخراش بود که زن‌های معاویه و یزید نیز آنان را در این گریه و شیون، همراهی می‌کردند.

به احتمال قوی گزارش ابی مخنف اشاره به همین موضوع دارد:

ثم أمر بالنسوة أن ينزلن في دار على حدة، [و] معهنّ علی بن الحسين [علیه‌السلام] و معهنّ ما يصلحهنّ، فخرجن حتى دخلن [تلك الدار] فلم تبق من آل معاوية امرأة إلا استقبلتهنّ تبکی و تنوح علی الحسين [علیه‌السلام] فأقاموا علیه المناحة ثلاثا. (ابو مخنف کوفی، ۱۴۱۷هـ.ق، ص ۲۷۲)

طبری نیز چنین نقل کرده است:

ثم امر بالنسوة ان ينزلن في دار علی حده، معهن ما يصلحهن، وأخوهن معهن علی بن الحسين، في الدار التي هن فيها قال: فخرجن حتى دخلن دار یزید فلم تبق من آل معاوية امراه الا استقبلتهن تبکی و تنوح علی الحسين، فأقاموا علیه المناحة ثلاثا. (جریر طبری، ۱۳۸۷، ۵/۴۶۲)

شیخ مفید از آن سه روز تعبیر به ایام نموده است: «ثم أمر بالنسوة أن ينزلن فی دار علی حدة معهنّ أخوهنّ علی بن الحسين علیه‌السلام فأفرد لهم داراً تتصل بدار یزید فأقاموا أیاماً». (مفید، ۱۴۱۳هـ.ق، ۱۲۲/۲) تعبیر «فخرجن حتى دخلن تلك الدار» به احتمال زیاد اشاره به این نکته دارد که اهل بیت علیهم‌السلام پس از حضور در کاخ الخضراء و آن حوادث دلخراشی که آنجا پیش آمد به دستور

یزید از آنجا خارج شدند و وارد همین زندان در کاخ محل سکونت یزید شدند که این مکان نسبت به کاخ الخضراء مکانی علی حده و جدا به شمار می آید. عبارت شیخ مفید «فأفرد لهم دارًا تتصل بدار یزید» نشان می دهد که محل اقامت اسیران اهل بیت علیهم السلام به خانه یزید متصل بوده است.

پس از این سه روز که وضعیت خاندان یزید در میان کاخ، کاملاً به هم ریخت، یزید دستور داد که اهل بیت علیهم السلام را در بیرون از قصر منتقل کنند. البته این دستور پس از آن صورت گرفت که حضرت زینب علیها السلام درخواست ادامه اقامه عزا را در منزل دورتر می کند. این مکان که بیرون از قصر بوده است به دارالحجاره معروف بوده است که اهل بیت علیهم السلام هفت روز در آن به عزاداری مشغول بودند. (رک، طبری، بی تا، ۳۰۲/۲) به احتمال قوی این عبارت ابن اعثم کوفی نیز به همین موضوع اشاره دارد: «ففرغ لهم داراً فنزلوها وأقاموا أياماً بیکون وینوحون علی الحسین علیه السلام» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۵/۱۳۳).

گزارشی که طبری از کتاب *الحاویة* درباره واقعه خرابه شام نقل کرده است بر گزارش های فوق، منطبق است؛ زیرا در این گزارش آمده است که: «تا ایشان را به خانه یزید آوردند، دخترکی بود چهار ساله...». این قسمت از عبارت به خوبی نشان می دهد که اصل واقعه خواب دیدن حضرت رقیه علیها السلام و آوردن سر امام حسین علیه السلام در همین محبس قصر سکونت یزید و در همان مدت سه روز اتفاق افتاده است. ادامه نقل این واقعه که مربوط به جان سپردن حضرت رقیه است، نشان از آن دارد که آن حضرت در دارالحجاره، محل بیرون از قصر، که هفت روز اهل بیت علیهم السلام در آنجا عزاداری کردند، جان سپرده است: «... آن دختر بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چند روز جان به حق تسلیم کرد» (طبری، بی تا، ۱۷۹/۲). چنانکه به طور صریح آمده است، جان دادن حضرت رقیه پس از چند روزی که بعد از دیدن سر مبارک پدرش به شدت رنجور و مریض شده بود، اتفاق افتاده است.

پنجم) بعید نیست که دستگاه پیچیده و حرفه ای بنی امیه، در صدد کتمان و امحاء این واقعه دلخراش بوده باشد؛ زیرا این واقعه دردناک از سویی نشانه نهایت قساوت و سنگدلی یزید است و از سوی دیگر، نشانه نهایت مظلومیت و رنج و مصیبت اهل بیت امام حسین علیه السلام در راه حق و حقیقت خواهی است که هر انسان با وجدان را در طول تاریخ متأثر



نموده و از خواب غفلت بیدار می‌نماید. از این رو، ممکن است که درس آموختگان معاویه به منظور محو این واقعه تلخ، در پی محو اسم رقیه بنت الحسین علیها السلام برآمده باشند تا با محو اسم آن حضرت، خود این واقعه را نیز از صفحه تاریخ پاک کنند. شاید به همین دلیل باشد که اسم حضرت رقیه علیها السلام به صورت پراکنده در برخی منابع انساب و تاریخ منعکس شده باشد که افرادی مثل ابن فندق بیهقی و قاسم بن محمد مأمونی با استفاده از همان منابع (که امروزه مفقودند) به ثبت اسم آن حضرت اهتمام ورزیده و هم واقعه شهادت مظلومانه ایشان را گزارش نموده‌اند.

اشاره به یک نکته مهم نیز ضرورت دارد که حکایت اولیه واقعه خرابه شام، همان بود که گزارش شد، اما در طول زمان - به ویژه در ادوار اخیر - افزوده‌هایی نسبت به این حکایت صورت گرفته است که بیشتر به شکل داستان سرایی درآمده و صبغه گزارش تاریخی خود را از دست داده است.

اغلب اشکالات و انتقادات نسبت به حضرت رقیه و واقعه خرابه شام، ناظر به همین منابع متأخر است که متأسفانه برخی بدون توجه به پیشینه این بحث و فقط با نگاه به منابع ادوار اخیر نسبت به اصل وجود آن حضرت نیز خدشه نموده‌اند، در حالی که چنین رویکردی فاقد ارزش علمی و تاریخی است که بیشتر به ادبیات عوامانه شباهت دارد تا یک تحقیق و پژوهش علمی. از نظر اسناد تاریخی و نسب‌شناسی، مدارک بسیار قوی از آثار گذشته شام و مسجد اموی و سنگ نبشته‌های آن گزارش شده است که می‌تواند شواهد دیگری بر اثبات وجود تاریخی حضرت رقیه علیها السلام به شمار آید. چون بررسی این مدارک روش ویژه خود را دارد، نویسنده بررسی و تحلیل آنها را به فرصت دیگری موکول نمود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل منابع تاریخی و انساب قرون نخست درباره رقیه بنت الحسین علیها السلام نتایج زیر به دست آمد:

اول) بررسی و تحلیل منابع دست اول تا قرن هفتم، برای تحلیل‌گران تاریخ‌ظن معتبر نسبت به وجود تاریخی رقیه بنت الحسین علیها السلام و واقعه خرابه شام، ایجاد می‌کند؛ زیرا در

قدیمی ترین منابع از یادکرد دختران امام حسین علیه السلام تعبیر به بنات شده است که بیش از دو فرد را شامل می شود و مصادیق آن در منابع متأخرتر، چهار دختر نیز تعیین شده است و چون اسامی سه تن از دختران امام حسین علیه السلام مشخص است، فرد چهارم کسی جز حضرت رقیه علیها السلام نمی تواند باشد که در برخی منابع به آن تصریح شده است.

دوم) ابن فندق بیهقی، به صراحت نام رقیه بنت الحسین علیها السلام را - در شمارش بازماندگان از اولاد امام حسین علیه السلام پس از واقعه ی کربلا- برده است و چون نسب شناسی، عهده دار ثبت اسامی دودمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، اهمیت آن نسبت به اثبات وجود تاریخی ذراری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر از تاریخ است.

سوم) در کتاب لهوف نیز از لسان مبارک امام حسین علیه السلام به نام رقیه علیها السلام تصریح شده است که با توجه به شواهد و قراین بسیار قوی، منظور از به کاربردن آن اسم، دختر امام حسین علیه السلام است و نه خواهر آن حضرت؛ زیرا خواهر آن حضرت به کنیه خود، ام کلثوم، در بیان حضرت نام برده شده است.

چهارم) اولین بار گزارش واقعه خرابه شام و جان سپردن کودک چهارساله، در کتاب کامل بهایی از کتاب حاویه نقل شده است که با توجه به منتفی بودن انگیزه جعل، احتمال وجود منابعی را - که حاوی این واقعه بوده و در اختیار مؤلف کتاب حاویه قرار داشته و امروزه مفقود شده است، بسیار تقویت می کند.

پنجم) گزارشی که اولین بار در کتاب کامل بهایی به نقل از کتاب حاویه در مورد واقعه خرابه شام و جان سپردن حضرت رقیه علیها السلام، منعکس شده است، بسیار کوتاه، مختصر و به صیغه نقل یک واقعه تاریخی و منطبق بر گزارش های منابع دست اول درباره خرابه شام و وقایع آن است، اما در ادوار بعدی، این حکایت در قالب ادبیات داستانی و افسانه، فربه و بزرگ شده است که بیشتر نقدها و اشکالات متوجه گزارشات همین دوره متأخر است.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الثلج (۱۴۱۰ ه.ق). تاریخ اهل البیت علیهم السلام. قم: آل البیت علیهم السلام.
۲. ابن الأثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
۳. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک. محقق:



- عطا، محمد عبد القادر، و عطا، مصطفى عبد القادر. بيروت: دارالكتب العلمية.
٤. ابن بابويه، محمد بن علي (١٣٧٨). *عيون الاخبار الرضا* عليه السلام. محقق و مصحح: لاجوردی، مهدي. تهران: نشر جهان.
٥. ابن خياط بن شيبان، ابو عمرو خليفه (١٤١٥ هـ.ق). *تاريخ خليفه بن خياط*. محقق: فواز. بيروت: دارالكتب العلمية.
٦. ابن سعد الهاشمي البصري، محمد بن منيع (١٤١٤ هـ.ق). *الطبقات الكبرى*. محقق: السلمي، محمد بن صامل. الطائف: مكتبة الصديق.
٧. ابن شهر آشوب، رشيد الدين محمد بن علي (١٣٧٩). *المناقب*. قم: علامه.
٨. ابن طاووس، علي بن موسى (١٣٨٨). *لهوف*. مترجم: رجالي تهراني، علي رضا. قم: انتشارات نبوغ.
٩. ابن طيفور، ابو الفضل احمد بن ابي طاهر (١٣٢٦). *بلاغات النساء*. صححه و شرحه: الألفي، أحمد. القاهرة: مطبعة مدرسه والده عباس الأول.
١٠. ابن عساکر، ابو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله (١٤١٥ هـ.ق). *تاريخ دمشق*. المحقق: العمري، عمرو بن غرامة. بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
١١. ابن فندق بيهقي، ابو الحسن علي (١٤١٨ هـ.ق). *لباب الانساب*. محقق: رجالي، سيد مهدي. قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
١٢. ابن قتيبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم (١٩٩٢ م). *المعارف*. محقق: عكاشة، ثروت. القاهرة: الهيئة المصرية العامه للكتاب.
١٣. ابن كثير الدمشقي، ابو الفداء اسماعيل بن عمر (١٤٠٧ هـ.ق). *البداهة و النهاية*. بيروت: دارالفكر.
١٤. ابن منظور، جمال الدين ابو الفضل محمد بن مكرم الانصاري (١٤٠٢ هـ.ق). *مختصر تاريخ دمشق لابن عساکر*. المحقق: النحاس، روحية، مراد، رياض عبد الحميد، مطي، محمد. دمشق: دارالفكر للطباعة و التوزيع و النشر.
١٥. ابن اعثم الكوفي، ابو محمد احمد (١٤١١ هـ.ق). *الفتوح*. محقق: شيري، علي. بيروت: دارالاضواء.
١٦. ابو الفرج الاصفهاني، علي بن الحسين (بي تا). *مقاتل الطالبين*. محقق: صقر، سيد احمد. بيروت: دارالمعرفة.
١٧. ابو مخنف كوفي، لوط بن يحيى (١٤١٧ هـ.ق). *وقعه الطف*. محقق و مصحح: غروي، يوسف، و هادي، محمد. قم: جامعه مدرسین.
١٨. اربلي، علي بن عيسى (١٤٢١ هـ.ق). *كشف الغمه في معرفة الأئمة* عليهم السلام. قم: رضی.
١٩. اسكافي، محمد بن همام بن سهيل (١٤٢٢ هـ.ق). *منتخب الأنوار في تاريخ الأئمة الأطهار* عليهم السلام. قم: دليل ما.
٢٠. البلاذري (١٣٩٧). *انساب الأشراف*. محقق: المحمودي، محمد باقر. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
٢١. ياكدامن، محمد حسن (١٣٩٤). *رقبه بنت الحسين* عليه السلام در انساب و تاريخ. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
٢٢. جرير الطبري، ابو جعفر محمد بن (١٣٨٧). *تاريخ الأمم و الملوك*. محقق: ابراهيم، محمد ابو الفضل. بيروت: دار التراث.
٢٣. حسني، ابن عنيه (١٤١٧ هـ.ق). *عمده الطالب في أنساب آل ابي طالب* عليهم السلام. قم: انصاريان.
٢٤. الدينوري، ابو حنيفه احمد بن داود (١٣٤٨). *الأخبار الطوال*. محقق: عامر، عبد المنعم مراجعه، و شيال، جمال الدين. قم: منشورات الرضى.
٢٥. شافعي، محمد بن طلحه (١٤١٩ هـ.ق). *مطالب السؤل في مناقب آل الرسول* عليهم السلام. بيروت: البلاغ.
٢٦. شوشتری، محمد تقی (١٤١٩ هـ.ق). *قاموس الرجال*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين.
٢٧. صادقي كاشاني، مصطفى (١٣٩٥). *تصحیح و منبع شناسی كتاب الملهوف سيد بن طاووس*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي.
٢٨. طبري، عماد الدين حسن بن علي (بي تا). *كامل بهايي*. بي جا: بي تا.
٢٩. عاملي، سيد محسن امين (١٤٠٣ هـ.ق). *اعيان الشيعة*. بيروت: دارالتعارف.
٣٠. قمی، شيخ عباس (١٣٨١). *دمع السجوم*. مترجم: علامه شعراني، ابو الحسن. قم: هجرت.
٣١. كلبرك، اتان (١٣٧١). *كتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او*. مترجم: قرايي، علي، و جعفریان، رسول. قم: كتابخانه عمومي آيت الله مرعشي نجفي.
٣٢. مالكي، ابن صباغ (١٤٢٢ هـ.ق). *الفصول المهمه في معرفة الأئمة* عليهم السلام. قم: دارالحدیث.
٣٣. مجمع عالی حکمت اسلامی (١٣٨٨). *نقد و بررسی نظريه تطور تاريخي تشيع*. قم: مجمع عالی حکمت اسلامی با همکاري مؤسسه بوستان کتاب.
٣٤. محمدی ری شهری، محمد، طباطبائی نژاد، محمود، و سيد طبا، سيد روح الله (١٣٩٢). *شهادت نامه امام*

- حسین علیه السلام بر پایه منابع معتبر. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۳۵. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶هـ.ق). اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب. قم: انصاریان.
۳۶. مصعب، ابن عبدالله (۱۹۵۳م). نسب قریش. بیروت: دارالمعارف.
۳۷. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳هـ.ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۸. الهاشمی البغدادی، ابو جعفر محمد بن حبیب بن امیه (بی تا). کتاب المحبر. محقق: شتیتر، ایلزّه لیختن. بیروت: دارالآفاق الجدیده.

